

تحلیل خاستگاه شکل‌گیری مفهوم اعتماد اجتماعی در دنیای مدرن و مقایسه آن با اندیشه قرآنی

حسن نمکی نوقاب^۱ - سهیلا پیروزفر^۲

چکیده

اعتماد و کارکردهای آن یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی بوده و از دیرباز توجه کنشگران علوم انسانی به ویژه در جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و علوم سیاسی را برانگیخته است. به رغم وجود آثاری در این حوزه، به زمینه‌های فرهنگی، نگرشی و بینشی اعتماد اجتماعی و نیز بررسی مفهوم آن در بافت قرآنی کمتر توجه شده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی با مراجعه به منابع جامعه‌شناسی به بسترهای تولید این مفهوم در جهان مدرن پرداخته تا با درک دقیق اصطلاح اعتماد اجتماعی، تمهیداتی برای مقایسه این مفهوم با بافت قرآنی فراهم سازد. دستاورد پژوهش حاکی از آن است که مفهوم اعتماد اجتماعی در دنیای معاصر، واکنشی در برابر افزایش خطرپذیری و فردگرایی بوده که وجود مؤلفه‌های عدم تعین آینده، عاملیت مستقل (کنش غیرقابل کنترل) و ناآگاهی از کنش احتمالی دیگری در آن لزوم توسل به کنترل و اجبار را به همراه داشته است؛ حال آنکه اعتماد مطلوب قرآن بر پایه نگرش مثبت (حسن‌ظن) و ایمان جمعی استوار شده که متضمن مؤلفه‌های تعین، تعهد و آگاهی است و هنجارها و

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد. namaki.ha14@gmail.com

۲. دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول). spirouzf@um.ac.ir

ارزش‌های فردی (عوامل خصیصه محور) و جایگاه اجتماعی افراد (عوامل جایگاه محور) موجب تقویت آن می‌شود.
کلیدواژه‌ها: اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی، مخاطره، اطمینان قرآنی، ایمان در قرآن، امنیت خاطر.

مقدمه

مفاهیم و مسائل دنیای معاصر در بستر هویتی و فرهنگی خاصی تولید شده‌اند که لازم است برای شناخت دقیق و کاربردی و نسبت‌سنجی آن‌ها با متون دینی به زمینه‌های شکل‌گیری‌شان توجه شود؛ به‌ویژه اینکه بخواهیم این مسائل و مفاهیم را در کلام وحی، به مثابه یک اندیشهٔ وحیانی، مورد کاوش قرار دهیم.

یکی از اصطلاحاتی که در سال‌های اخیر توجه اندیشمندان و کنشگران عرصهٔ اجتماعی را به خود جلب کرده، «اعتماد اجتماعی» است. این اصطلاح را باید در شمار آن دسته از اصطلاحات علوم اجتماعی قرار داد که حاصل تحولات بنیادین رخ داده در سبک زندگی و شیوهٔ اندیشه‌ورزی در عصر مدرن‌اند (پاکتچی، ۱۴۰۰: ۲). به عبارت دیگر این اصطلاحات در بافت فرهنگی و تناسبات خاص دورهٔ تاریخی یادشده قابل درک‌اند و کوشش برای یافتن مستقیم آن‌ها در متون دینی بدون در نظر گرفتن پارادایم حاکم بر آن، احتمال گرفتار شدن محقق در دام این‌همان‌پنداری یا تفسیربه‌رأی را افزایش می‌دهد. ازاین‌رو پیش از جست‌وجو و تحلیل مفاهیمی برآمده از ساختار مدرن و تطبیق آن‌ها با اندیشهٔ قرآنی باید زمینه‌های شکل‌گیری آن‌ها را مورد مذاقه قرار داد.

کارکردهای اعتماد در حفظ و تعادل جامعه از طریق افزایش مشارکت و پیوندهای اجتماعی و رشد حاصل از آن، همیشه ضرورت درکی جامعه‌شناختی از مفهوم اعتماد را برای کنشگران جامعه روشن کرده است. اما دربارهٔ جامعهٔ ایران، تزلزل در اعتماد عمومی به علت تغییرات شدید و تحولات بنیادین در چند سال اخیر از یک سو و از سوی دیگر لزوم بازسازی این اعتماد به شکل متناسب با فرهنگ و ساختار دینی موجود، اهمیت پژوهش‌های مرتبط با اعتماد اجتماعی مبتنی بر قرآن را نمایان می‌سازد. پژوهش حاضر با

مراجعه به منابع جامعه‌شناختی و تحلیل آن‌ها در پی راهیابی به زیرساخت‌های فرهنگی جامعه سخنور بدین مفهوم است تا امکان سنجش عینی‌تر آن با فضای قرآن فراهم شود.

پیشینه پژوهش

اگرچه زمینه‌های شکل‌گیری اعتماد اجتماعی در دنیای مدرن کم‌وبیش مورد توجه اندیشمندان این حوزه بوده، تاکنون پژوهشی مستقل درباره زمینه‌های شکل‌گیری و چرایی نیاز جوامع معاصر به این خصیصه انجام نشده است. البته واکاوی مفهوم اعتماد در متون دینی، در دهه اخیر مورد توجه محققان قرار گرفته که می‌توان پژوهش‌های صورت‌گرفته در این باره را به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

- در برخی از پژوهش‌ها تنها به مفهوم اعتماد از دیدگاه فردی توجه شده و به آن نگاه جامعه‌شناختی نداشته‌اند. مقاله «بازشناسی مفهوم و مؤلفه‌های بنیادین اعتماد و کارکردهای آن در روابط اجتماعی انسان از منظر قرآن» از سیفعلی‌ئی و دیگران (۱۳۹۸) و دو پایان‌نامه «اعتمادآفرینی و راه‌های گسترش آن در قرآن و روایات» از زینب گل‌خرمی (۱۳۹۵) و «اعتماد بین فردی در قرآن و حدیث و تأثیر آن در تربیت انسان» به قلم معصومه طیبی (۱۳۸۷) نمونه‌هایی هستند که اعتماد و راهکارهای حصول آن را از دیدگاه متون دینی مورد بررسی قرار داده‌اند.

- در برخی از پژوهش‌ها نیز به مفهوم اعتماد نگاهی جامعه‌شناختی شده و اعتماد را در ساحت اجتماعی آن مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اگرچه به طور کلی نگاه درون‌دینی غالب بوده است. از جمله پژوهش‌های این دسته به دو رساله می‌توان اشاره کرد: رساله «بررسی ماهیت، ریشه‌ها و پیامدهای اعتماد اجتماعی از منظر قرآن کریم» از مهدویان (۱۳۹۴) و «اعتماد اجتماعی در نهج البلاغه (عوامل... و کارکردها» از عارفی (۱۳۹۵) که به ترتیب براساس قرآن و نهج البلاغه در پی ارائه تصویری از چیستی، چرایی و چگونگی اعتماد اجتماعی و عوامل و راهکارهای آن از دیدگاه متون دینی هستند.

- در سومین دسته از پژوهش‌ها، مؤلفه‌های این مقوله اجتماعی از طریق تعاریف

موجود از آن در اندیشه مدرن، شناسایی و استخراج شده؛ از این رو این دسته در زمره مطالعات میان‌رشته‌ای قرار می‌گیرند. مقاله «اعتماد اجتماعی در قرآن» از سید محمد تقی و سید جعفر صادقی (۱۳۹۰) نمونه‌ای از این پژوهش‌هاست.

مدل پژوهش در پژوهش حاضر را می‌توان از نوع دسته سوم دانست که نشان‌دهنده تفاوت آن با پژوهش‌های دو دسته دیگر است؛ با وجود این، توجه به زمینه‌های اجتماعی و تحولات فکری و فرهنگی دنیای مدرن در شناخت این مفهوم نقطه تمایز آن با تألیفات دسته سوم است. بر این اساس با مراجعه به متون علوم انسانی مدرن به ویژه متون جامعه‌شناختی، ماهیت شناختی و فرهنگی، اعتماد در ساختار معاصر توصیف شده و سپس با مراجعه به متن قرآن و تجزیه و تحلیل مفاهیم مرتبط با اعتماد تلاش می‌شود که ابعاد شناختی و معرفتی مفهوم اعتماد در قرآن و تفاوت ماهوی آن با ساختار مدرن در قالب مؤلفه‌ها تحلیل شود. از طریق چنین مقایسه و سنجشی افزون بر اینکه تصویر عینی تری مبتنی بر بافت آیات قرآن از ماهیت و عوامل ضعف و قوت اعتماد در اندیشه و حیاتی به دست می‌آید، می‌توان چرایی عدم استعمال واژه «اعتماد» در قرآن و کاربرد واژه‌های بدیل آن چون «اطمینان» را تحلیل کرد.

لازم به ذکر است کاوش درباره میزان اعتماد در ایران و راهکارهای تولید آن متناظر با ساختار نهادی موجود، به علت نیاز به مطالعات واسطه‌ای، فرهنگی و میدانی از عهده پژوهش حاضر خارج است.^۱

۱. نسبت اعتماد با سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی در میان دیگر ساحت‌های سرمایه به دارایی‌های یک جامعه اشاره

۱. هرچند نتایج پژوهش حاضر، یعنی ابعاد شناختی اعتماد در قرآن و عوامل تولید و زوال آن می‌تواند معیاری نقادانه در اختیار اندیشمندان مطالعات اجتماعی اسلام قرار دهد، پیاده‌سازی آموزه‌های قرآن در ساختارهای جامعه به شناخت دقیق دو فرهنگ قرآن و جامعه معاصر ایران نیازمند است که در تحقیق پیش رو تنها به بخش اول پرداخته شده است.

می‌کند که سبب تسهیل کنش در آن جامعه شده (کلمن، ۱۳۸۴: ۵۴) و باعث دسترسی به هدف‌هایی می‌شود که بدون آن یا غیرقابل دستیابی هستند یا هزینه بسیاری را بر جامعه تحمیل می‌کنند (همو، ۱۳۷۷: ۴۶۴). به عقیده پاتنام در جامعه‌ای که از نعمت سرمایه اجتماعی برخوردار است، همکاری تسهیل می‌شود (پاتنام، ۱۳۸۴: ۹۵) و فوکویاما سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ی هنجارهایی می‌داند که موجب ترویج همکاری دو یا چند نفر می‌شود (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۶۹).

مفهوم اعتماد اجتماعی یکی از مفاهیم مهم و کلیدی در حوزه علوم اجتماعی، به‌ویژه جامعه‌شناسی و یکی از شاخص‌های اصلی سرمایه اجتماعی و روابط متقابل اجتماعی است (شیری و رضایی خواه، ۱۳۹۵: ۹۶۶۸).

پاتنام وقتی از سرمایه اجتماعی سخن می‌گوید از اعتماد به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی آن نام می‌برد (پاتنام، ۱۳۸۴: ۹۵). فوکویاما نیز گاهی از اعتماد به عنوان محصول جانبی سرمایه اجتماعی نام برده (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۷۰) و گاه آن را پیش شرط سرمایه اجتماعی می‌داند (تونکیس، ۱۳۸۷: ۱۰۴).

روستاین سرمایه اجتماعی را به دو جزء متمایز تقسیم می‌کند: قید اجتماعی نشان‌دهنده میزان روابط و تعاملات میان مردم جامعه است و قید سرمایه سازنده نوعی از دارایی مردمی است که آن را در تملک خود دارند و در نبود آن قادر به انجام برخی از کارها نیستند (روستاین، ۱۳۹۳: ۱۲۳-۱۲۴). در واقع او سرمایه اجتماعی را متشکل از دو بعد کمی و کیفی می‌داند که بعد کمی به میزان خالص پیوندها و ارتباطات مردم جامعه با همدیگر اشاره دارد و بعد کیفی یعنی ارتباط‌هایی که اعتماد در آن مندرج بوده و بر مبنای اعتماد شکل گرفته باشد.

از این بخش چنین نتیجه‌گیری می‌شود که اعتماد اجتماعی به عنوان جزء یا شاخص سرمایه اجتماعی، ناظر به کیفیت پیوندها و ارتباطات افراد در جامعه بوده و نقش مهمی در تسهیل امور اجتماعی، چه در حوزه فردی و چه در سطح کلان و نهادها، بازی می‌کند.

۱-۱. خاستگاه اعتماد

پس از تعریف سرمایه و کیفیت ارتباط آن با مفهوم اعتماد اجتماعی باید به این پرسش پاسخ داده شود که بستر شکل‌گیری اعتماد در دنیای مدرن چه بوده و چرا جهان معاصر به اعتماد در سطح فردی و اجتماعی نیاز دارد؟ چنان‌که در آغاز پژوهش گفته شد، امکان مقایسه بین پارادایم حاکم بر مفهوم اعتماد در جهان مدرن و بافت ناظر به این مسئله در آیات قرآن وجود دارد. از طریق این مقایسه می‌توان افزون بر تبیین زاویه نگاه قرآن به مقوله اعتماد، بنیان‌های دو پارادایم را در تعاملات و ارتباطات اجتماعی بهتر آشکار کرد.

الف) فردی شدن

اولین خاستگاه شکل‌گیری اعتماد در جوامع مدرن، ظهور مکتب نئولیبرالیسم و فردگرایی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی این مکتب بود (فنتون، ۱۳۸۷: ۲۳۰). رشد فردگرایی و فروپاشی اجتماع موجب در اولویت قرار گرفتن منافع فردی شد و دنبال کردن بدون محدودیت منافع فردی می‌توانست به از بین رفتن روابط اعتمادآمیز بینجامد (همان‌جا). این فردگرایی و لحاظ عاملیت مستقل برای افراد (تونکیس و دیگران، ۱۳۸۷: مقدمه ۱۳) یکی از ویژگی‌های جهان مدرن است که به اعتماد معنا می‌دهد؛ چراکه اعتماد جایی مطرح می‌شود که رفتار طرف مقابل غیرقابل پیش‌بینی باشد (همان، ۱۱).

هرچیزی که به آینده گره بخورد چون هنوز وجود ندارد، ناشناخته باقی می‌ماند؛ این عدم شناخت و ناآگاهی یکی از ویژگی‌های کنش اعتماد است و حساسیت زندگی اجتماعی نیز از این واقعیت ناشی می‌شود که آینده غیرقابل پیش‌بینی است (Barbalet, 1996: 82). در ارتباطات اجتماعی با دیگران با علم به عاملیت مستقل افراد در عمل، دو مفهوم محوری درباره کنش آن‌ها ایجاد می‌شود؛ عدم پیش‌بینی و عدم کنترل که هر دو مبتنی بر مؤلفه فردی شدن انسان در دنیای مدرن و به تعبیری آزادی او نمایان می‌شوند. در واقع وقتی در تعامل با دیگری حس کنیم که او هر لحظه ممکن است به

شکلی غیرقابل پیش‌بینی و دور از انتظار رفتار کند، احساس بر ما غالب می‌شود و «این ترس از خدعه و آسیب دیگران سبب همه دشمن‌پنداری و در نتیجه انزوای ما می‌شود» (O'Neill, 2002: 12).

این احساس ترس در تعامل با دیگری یا موجب عدم همکاری می‌شود که مطلوب اجتماع بشری نیست؛ چراکه توسعه و رشد در نتیجه تعامل مبتنی بر اعتماد اعضای جامعه شکل می‌گیرد، یا موجب بروز تعامل محاسبه‌گرانه می‌شود. تعامل محاسبه‌گرانه نیز گونه‌ای تعامل و ارتباط اجتماعی است که در خصمانه‌ترین شرایط هم بین دو طرف (پاکتچی، ۱۴۰۰: ۳) صورت می‌گیرد و اساس آن نه بر اعتماد، بلکه بر ضمانت‌ها و قراردادهاست و یا به محدود کردن دیگری و گرفتن اختیار از او می‌انجامد که جز با توسل به اجبار فیزیکی شدید امکان‌پذیر نیست و البته زمانی که بر عملکرد فرد دیگری کنترل کامل داریم، دیگر اعتماد معنایی ندارد (Giddens, 1991: 19). در غیر از حالت‌های یادشده چنانچه به دیگری تکیه شود، ناشی از اعتماد نیست؛ بلکه از سر ناچاری و نبود جایگزین، چنین حالتی رخ داده است. بنابراین اعتماد مسیر جداگانه‌ای دارد که به اذعان جامعه‌شناسان، پیش‌فرض آن پذیرش آزادی دیگری در کنش است (Barbalet, 1996: 79). در واقع ما در جهانی زیست می‌کنیم که در مواجهه با دیگران مستقل و آزاد و غیرقابل پیش‌بینی، نه امکان قطع همکاری و انزوا داریم، نه توان کنترل همه جانبه کنش‌ها و نه البته امکان تأمین هزینه‌های نظارت همگانی را. در این شرایط، اعتماد به عنوان راهکاری برای تعامل با دیگر اعضای اجتماع پیشنهاد می‌شود و نیاز به بازتولید آن در جامعه ضروری می‌نماید.

ب) بازاری شدن رفتارها

در جامعه مدرن، رفتار و تعامل با دیگری جنبه بازاری به خود گرفته است؛ چراکه افراد به علت نفع شخصی به انجام کاری برانگیخته می‌شوند و به آن کار به چشم تجارت و سود بیشتر می‌نگرند. روابط بین افراد نیز به صورت فزاینده‌ای تحت سیطره نیروهای

اقتصادی درآمده و این وضعیت تا جایی پیش رفته که برخی از اندیشمندان به این نکته اشاره کرده‌اند که کارهایی مانند امور خیریه به عنوان اقدامی نوع دوستانه که از ارزش‌های ذاتی خود عمل و عامل برآمده نیز از این نگاه بازاری به پدیده‌ها در امان نمانده است (فنتون، ۱۳۸۷: ۲۳۵). با این مقدمه، اعتماد به عنوان ابزاری عقلانی برای شکل‌گیری یک مبادله اقتصادی ضروری می‌نماید؛ مبادله‌ای که در آن دیگری به عنوان عاملی مستقل و آزاد عملی را انجام می‌دهد که برای اعتمادکننده زیان‌بار نیست.

تأثیر رفتار بازاری بر تعاملات اجتماعی، ارتباط تنگاتنگی با مؤلفه فردی شدن روابط دارد که نشان‌دهنده نیاز به اعتماد در مبادلات اقتصادی و فردی است. غلبه این‌گونه رفتار سبب می‌شود انگیزه اعتماد و عاملی که افراد را به تکیه بر همدیگر سوق می‌دهد، نه ارزش‌های درونی و اخلاقی دو طرف، بلکه منافع مالی و اقتصادی موجود در رابطه باشد. این بنیاد اعتماد موجب بروز رفتار محاسبه‌گرانه‌ای می‌شود که در سطرهای پیشین به تفاوت رفتار محاسبه‌گرانه با تعامل مبتنی بر اعتماد اشاره شد.

از دیدگاهی دیگر باید گفت که در دل این نوع از تعامل مبتنی بر منافع و رفتار بازاری، گونه‌ای بی‌اعتمادی نهفته است؛ چراکه وقتی «الف» بنابر قرارداد یا منفعتی به «ب» تکیه می‌کند، ممکن است در مراحل اولیه، «ب» برای جلب اعتماد او کنشی همدلانه انجام دهد؛ ولی سپس در مبادله‌ای با ارزش‌تر دست به خیانت زده و تعهدی به دوام رابطه و حتی پایبندی به قرارداد نداشته باشد. همچنین افراد ممکن است کسانی را که صرفاً به علت بهره‌برداری از آن‌ها وارد رابطه و ابراز محبت شده‌اند، پس بزنند که مجموع این موارد خود سبب بروز بی‌اعتمادی و به تعبیری دیگر دام اجتماعی شود (روستاین، ۱۳۹۳: ۱۲۱).

افزون بر مشکلات یادشده، در جامعه‌ای که غلبه رفتار بازاری سبب جایگزینی قراردادهای اجتماعی با ارتباط اجتماعی می‌شود، فرد به جای مسئولیت‌پذیری برخاسته از اعتماد فقط پاسخ‌گوی قراردادها خواهد بود. به عبارت دیگر در اینجا عامل تعیین‌کننده در تعهدات و الزامات فقط قوانین و مقررات است و فرد چنانچه قانون و قراردادی نباشد، تعهدی نسبت به دیگران ندارد. در چنین شرایطی که قراردادهای

اجتماعی و منافع عقلانی نمی‌توانند تعهد اجتماعی عام ایجاد کنند، اعتماد و عوامل بازآفرینی آن در جامعه ضرورت می‌یابد.

ج) ریسک و مخاطره

لازمه پذیرش استقلال و عاملیت دیگری و نیز بازاری شدن تعاملات انسان مدرن، مواجهه با کنش‌های غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل کنترل دیگران است. در چنین موقعیتی که به علت روبه‌رو بودن با آینده‌ای مبهم تصمیم‌ها و همکاری‌ها به شدت در معرض آسیب و خطر قرار می‌گیرد، اعتماد به عنوان راهکاری برای برون‌رفت اهمیت می‌یابد؛ راهکاری که پیوندی عمیق با مخاطره دارد.

به تعبیر لومان، ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که میزان وابستگی آینده جامعه به تصمیم‌گیری افزایش یافته است. ما دیگر نه در جامعه مبتنی بر تقدیر، بلکه در جامعه مبتنی بر کنش هدفمند انسانی زندگی می‌کنیم و برای این‌که با آینده برخورد فعالانه و سازنده داشته باشیم، به اعتماد نیاز داریم (شارع‌پور، ۱۳۹۵: ۲۳۳). مراد از برخورد فعالانه این است که خود فرد با آزادی و استقلالی که دارد در موقعیت‌های متفاوت، فارغ از ضوابط و قراردادهای، بر مبنای اعتماد به تعامل با دیگری بپردازد و بدون دخالت قانون و سنت‌های موجود به صورت فعالانه روابط اعتمادآفرین ایجاد کند.

اگرچه مخاطره مفهومی محوری برای فرهنگ مدرنیته است، در جوامع سنتی که گرد قیود و تعهدات خویشاوندی سامان یافته‌اند، سطوح بسیار بالایی از پیش‌بینی و کنترل فرد وجود دارد که سبب ایجاد اطمینان به رفتار می‌شود (سلیگمن، ۱۳۸۷: ۱۴). البته در این جوامع اعتماد جایگاهی پیدا نمی‌کند؛ زیرا هرچه آزادی افراد محدودتر باشد، حوزه اعمالی که باید از قبل احتمال انجام آن‌ها حدس زده شود نیز محدودتر می‌شود (Gambetta, 2000: 218) و رفتاری که قابلیت پیش‌بینی بالایی داشته باشد، دیگر خطری برای فرد اعتمادکننده ندارد تا ابزار اعتماد لازم آید.

فاضلی ضمن بیان این حقیقت که اعتماد لازمه جهان مدرن است و نه پیشامدرن،

چنین تحلیل می‌کند که در جوامع پیشامدرن ساختارهایی انضمامی و متکی بر ضوابط محلی مانند دین، ارزش‌های اخلاقی و ارزش‌های جهان‌گرایانه مثل خانواده و آداب و رسوم عهده‌دار شناخت و آگاهی‌بخشی و در نتیجه ایجاد امنیت خاطر برای افراد بودند؛ ولی با تضعیف یا از بین رفتن این ضمانت‌ها جامعه از آن حس امنیت و آرامش دوران پیشامدرن بیرون می‌آید (فاضلی، ۱۳۹۹: ۱۱۲-۱۱۳).

نتیجه اینکه جامعه مدرن با فرض پذیرش عاملیت مستقل برای افراد و عدم قطعیت در کنش‌های متقابل، با مشکل عدم آگاهی از رفتار دیگری و به تعبیری دنیای ناشناخته‌ها مواجه است و این در حالی است که کنترل انسان‌ها نه مطلوب و نه امکان‌پذیر است. این مسئله در درون خود حامل ناامنی و عدم اطمینان به دیگر اعضای جامعه است و نیاز به ابزاری برای ایجاد حس امنیت و تکیه بر دیگری را ضرورت می‌بخشد.

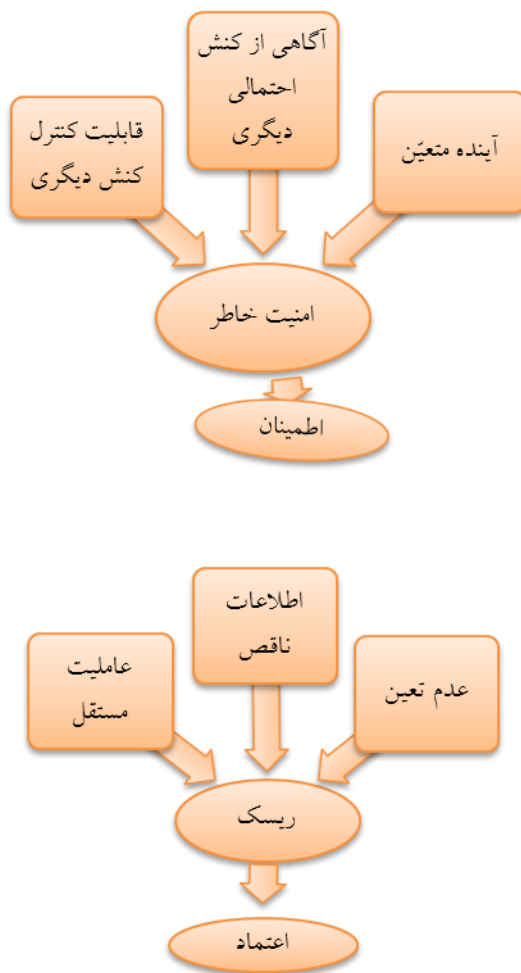
۲. تفاوت اعتماد و اطمینان

برخی از اندیشمندان بین واژه اعتماد و اطمینان تفاوت قائل شده‌اند؛ به این معنا که اگر فردی به وقوع چیزی در آینده آگاهی و یقین داشته باشد، وارد مفهوم اطمینان شده؛ ولی اگر در حالتی قرار بگیرد که آینده برای او تعین نداشته باشد و نسبت به آن مردد باشد و یا حتی نتواند پیش‌بینی احتمال‌گرایانه‌ای بکند، این محل ظهور مفهوم اعتماد است. فنتون این معنا را چنین بیان کرده است: «اطمینان حالتی است که فرض می‌کنید انتظارات شما برآورده خواهد شد؛ ولی اگر نسبت به انتظارات خودتان مردد باشید و قادر به پیش‌بینی در مورد نیازهای آینده خود نباشید، ناچار وارد رابطه اعتمادآمیز می‌شوید» (فنتون، ۱۳۸۷: ۲۲۳-۲۲۴). مؤید مؤلفه تعین‌پذیری یا نامتعین بودن آینده فارق بین این دو مفهوم است.

مؤلفه عدم قطعیت نسبت به آینده‌ای که نیامده، وقتی معطوف به کنش انسان‌ها باشد، به علت اینکه رفتار انسان، به عنوان عامل مستقل، غیرقابل کنترل و پیش‌بینی است، شرایط ریسک و مخاطره را در مواجهه با دیگری صاحب اختیار و اراده افزایش

می‌دهد. اعتماد کردن یعنی شرط بستن بر آینده نامعین و کنش‌های غیرقابل کنترل دیگران که همیشه با مخاطره همراه است (Kollock, 1994: 317)؛ از این رو مؤلفه مخاطره نسبت به کنش‌های غیرقابل کنترل دیگران که از آن احتمال آسیب رسیدن به ما می‌رود، در مفهوم اعتماد گنجانده شده است. اما اطمینان یعنی اینکه رخداد خوبی می‌تواند اتفاق بیفتد یا نیفتد و البته مبتنی بر آگاهی و اطلاعات است. بدین سان «اطمینان را می‌توان به عنوان احساسی از انتظار قطعی و یقینی توصیف کرد» (Barbalet, 1996: 76) که مبتنی بر اطلاعات و آگاهی‌ها آینده را متعین می‌کند؛ اما اعتماد «ذاتاً پاسخی شکننده به نادانی‌های ماست (Gambetta, 2000: 219) و چون نمی‌توانیم آنچه را در آینده برایمان رقم می‌خورد بشناسیم، اعتماد راهکاری برای مواجهه با محدودیت‌های آینده‌نگری است (Shklar, 1984: 151). بنابراین نقص در اطلاعات و شرایط ناآگاهی درباره رفتار دیگران در مرکز مفهوم اعتماد قرار دارد.

کوتاه‌سخن اینکه اعتماد در حوزه شناختی سه عنصر عدم تعین، اطلاعات ناقص و عاملیت مستقل را دربر می‌گیرد. این مؤلفه‌ها خاصیت جهان مدرنی است که لازمه آن ریسک است؛ ولی اطمینان بر آینده متعین، آگاهی از کنش احتمالی دیگری و کنش کنترل‌شده فرد به علت عضویت در هویت‌های جمعی و سنتی مبتنی است. خصوصیات یادشده متعلق به دوران پیشامدرن است؛ دوره‌ای که با وجود خطرات گوناگون رفتار اعضا در قالب ساختارهای موجود پیش‌بینی‌پذیر، امن و قابل تکیه بود.



شکل ۱) تفاوت مفهوم اطمینان و اعتماد از دیدگاه جامعه‌شناسان

۳. رویکرد قرآن به اعتماد

برای شناخت اعتماد مطلوب قرآن می‌توان در دو سطح واژگان و گفتمان با متن قرآن وارد گفت‌وگو شد. در سطح واژگان ابتدا باید به معنای ریشه‌ای اطمینان پرداخت.

اطمینان از ماده «طمن» است و به سکون بعد از اضطراب گفته می‌شود (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۷/۱۲۶). همچنین به مسئله آرامش خاطر در این ماده اشاره شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۲۵). این معنای سکون و آرامش با مؤلفه‌های قطعیت، آگاهی و پیش‌بینی‌پذیری رفتار دیگری مرتبط است. کاربردهای قرآن درباره اطمینان نیز مؤید مؤلفه‌های یادشده است و می‌تواند پاسخی باشد به پرسشی که در مقدمه پژوهش آمد که چرا از ماده اعتماد در قرآن بهره گرفته نشده است.

توضیح مطلب اینکه ماده اطمینان گاهی درباره تعامل انسان با خداوند به کار رفته (رعد/۲۸؛ مائده/۱۱۳؛ فجر/۲۷) که با توجه به صفات خداوند، مؤلفه آگاهانه بودن، قطعیت (تعیّن) و تعهد در آن محسوس است و گاه به جهان طبیعی مثل وطن (نساء/۱۰۳)، دنیا (یونس/۷) و زمین (اسراء/۹۵) مربوط است که به علت عدم وجود عامل اختیار و آزادی در عمل،^۱ خطر کنش غیرقابل کنترل و غیرقابل پیش‌بینی درباره آن‌ها منتفی است. در برخی موارد نیز کاربرد این ماده معطوف به جهان اجتماعی و کنش فرد با دیگران است (نحل/۱۱۲؛ مائده/۱۱۳) که در این دو مورد نیز با وجود اینکه درباره انسان به عنوان عامل مستقل و دارای اراده سخن گفته شده، قرین شدن اطمینان به امنیت و ایمان (نحل/۱۱۲؛ مائده/۱۱۳) وجود مخاطره و عدم قطعیت را به آرامش و تعین بدل کرده است.^۲

نکته جالب دیگر کاربرد انحصاری واژه اطمینان در موقعیت تعین و حسن ظن است؛

۱. برای آگاهی بیشتر درباره پیوند بین اعتماد با اختیار و آزادی (عاملیت مستقل) بنگرید به: (ردادی، ۱۳۹۰: ۷۳).

۲. «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ» (نحل/۱۱۲). در این آیه از شهری سخن گفته شده که نسبت به هجوم اشرار و غارتگران (عامل مستقل) در امنیت و آرامش است. همچنین در آیه «... اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * قَالُوا لَنْ نُؤْيِدَ أَنْ نَأْكَلَ مِنْهَا وَنَنْظَمِرَنَّ قُلُوبِنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتُنَا وَنَكُونُ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ» (مائده/۱۱۲-۱۱۳) اطمینان به ادعاهای حضرت عیسی علیه السلام به عنوان عامل مستقل مطرح شده است.

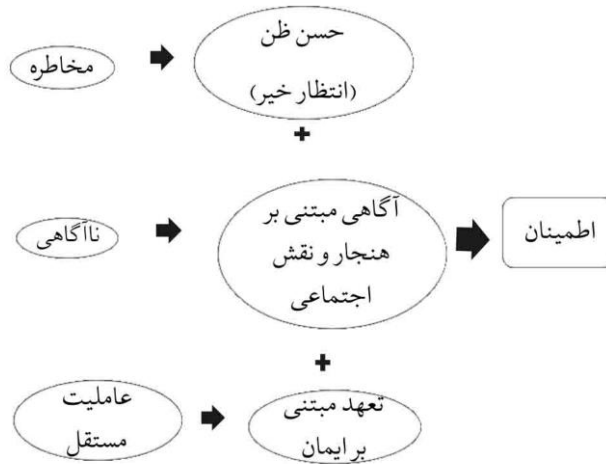
چنان‌که در موقعیت‌های نامتعیّن و مخاطره‌ای از واژه‌های دیگری بهره برده شده؛ برای نمونه در مواجهه با ظالمان (عاملان مستقل با سابقه ظلم) با واژه «رکون» از عدم تکیه به آن‌ها سخن گفته شده (هود/۱۱۳) و یا از ماده «أَمِنَ» برای جایی که خطر خیانت وجود دارد، استفاده شده است (آل عمران/۷۵؛ یوسف/۱۱). بنابراین طبق آیات قرآن جایی که اطمینان معطوف به کنش انسان است، نه تنها مؤلفه‌های تعین و عدم ریسک نفی نشده؛ بلکه صرفاً برای اطمینان مذمت شده (حج/۱۱؛ یونس/۷) و برای اشاره به موقعیت‌های نامتعیّن و مخاطره‌آور از دیگر واژگان بهره برده شده است.

گرچه ماده اطمینان به ندرت برای موجود قابل‌اختیاری مثل انسان به کار رفته، مشخص است که قرآن همانند رابطه خدا با مؤمنان، فضای مطلوب حاکم بر شبکه ارتباطی مؤمنان را محقق شدن اطمینان می‌داند و با آموزه‌های خود که در سطح گفتمان بدان پرداخته خواهد شد، جامعه را به آن ترغیب می‌کند.

باهم‌آیی این واژه در کاربردهای آیات با مفهوم ایمان^۱ می‌تواند برابر نهاد مفهوم ریسک و مخاطره در جهان مدرن باشد که با فراهم آمدن آن رابطه اعتمادآميز مبتنی بر ترس و خطر جای خود را به رابطه‌ای اطمینان‌بخش می‌دهد تا آرامش و امنیت لازمه همکاری فراهم آید.

در سطح گفتمان نیز با توجه به زمینه‌های پیدایش و نیازمندی به اعتماد در جهان معاصر، قرآن کریم گفتمان دیگری را از دیدگاه شناختی در تعاملات اجتماعی صورت‌بندی می‌کند که در اساس با زمینه‌های شکل‌گیری اعتماد در اندیشه مدرن تفاوت داشته و مبتنی بر نگرش مثبت و احساس امنیت نسبت به جامعه مؤمنان است. در واقع آنچه را درباره مؤلفه‌های اطمینان گفته شد، می‌توان در اعتماد مدّ نظر قرآن یافت و به صورت زیر ترسیم کرد:

۱. برای نمونه: «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ...» (نحل/۱۰۶) و «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸).



شکل ۲) مؤلفه‌های شناختی اطمینان قرآنی در مقایسه با مؤلفه‌های اعتماد مدرن

در ادامه، مؤلفه‌های این تغییر گفتمان در قالب سه مفهوم قرآنی حسن ظن، تعهد مبتنی بر ایمان و باور آگاهانه بررسی شده و نشان داده خواهد شد که چگونه حسن ظن موجب کاهش مخاطره و انتظار خیر از دیگری، ایمان به خدا موجب رفتار متعهدانه در عین استقلال و آزادی، و هنجارهای اخلاقی و موقعیت‌های اجتماعی موجب شناخت و آگاهی از دیگری می‌شود.

الف) از مفهوم ریسک و خطر تا حسن ظن

چنان‌که آمد، ریسک و مخاطره لازمه تغییر و توسعه ناگهانی جهان و گسست از پیوندهای سنتی جوامع است. هرچقدر این تحولات بیشتر و سریع‌تر باشد، نیاز به اعتماد در جامعه بیشتر می‌شود؛ چراکه عبور از بحران به همکاری و همکاری به اعتماد اجتماعی نیازمند است.

از این رو برخی از اندیشمندان همچون لومان (Luhmann, 1979: 40)، کلمن و دوییچ (کلمن، ۱۳۷۷: ۱۵۷-۱۵۸) به ارتباط مفهوم ریسک و خطر با اعتماد اذعان کرده و به نوعی آن را جزء لوازم اعتماد دانسته‌اند.

اما در فضای قرآن، آموزه‌های وحی بر این مسئله استوار است که پیوندها و تعاملات مردم براساس حسن ظن اتفاق می‌افتد و نه احتمال خطر؛ بنابراین توصیه می‌شود که حسن ظن داشتن به جامعه ایمانی باید محور ارتباط قرار گیرد. در همین راستا، قرآن به صورت کلی ابتدا به رفتار صادقانه و به دور از دروغ و ریا سفارش کرده و از ظنی که به گناه (سوء ظن) بینجامد، نهی می‌کند (حجرات/۱۲). قرآن در مرحله بعدی از سوء ظن به خدا پرهیز داده (فتح/۶؛ احزاب/۱۰) و در آخرین مرحله، از عبارت «ظن خیر» که تعبیر دیگری از حسن ظن است، نسبت به جامعه مؤمنان سخن گفته (نور/۱۲) و به شدت اجتماع مؤمنان را از پذیرش شایعات و سخنان گفته شده در حق جامعه ایمانی برحذر می‌دارد (نور/۱۹) و به روابط برادرانه توصیه می‌کند.

جوامع سنتی که گرد قیود و تعهدات خویشاوندی سازمان یافته بودند، از سطوح بسیار بالایی از قابلیت پیش بینی و در نتیجه سطوح بالایی از اطمینان مبتنی بر ترکیبی از آشنایی و مجازات‌ها برخوردار بودند (سلیگمن، ۱۳۸۷: ۱۴). دقیقاً علت اینکه قرآن در آیه پیش گفته از صفت مؤمنان برای خطاب استفاده کرده، یادآور این مسئله است که وقتی با جامعه مؤمن و ایمانی در ارتباط هستید و خبری به شما می‌رسد، با توجه به خصلت امین بودن این افراد، ریسک و مخاطره به حداقلی‌ترین حالت ممکن می‌رسد و اطمینان یعنی قدرت پیش بینی جایگزین اعتماد می‌شود؛ از این رو از مخاطبی که آن تهمت را شنیده، توقع حسن ظن می‌رود و نه ترتیب اثر دادن به احتمال و ریسک که محملی برای اعتماد در دنیای مدرن است.

نقطه مقابل این رویکرد را می‌توان در مواجهه قرآن با غیرمؤمنان دید. قرآن به عدم تکیه و رکون به ظالمان دستور می‌دهد و جای دیگری به بررسی صحت خبر شخص فاسق قبل از عمل به آن سفارش می‌کند.

به عنوان مطلبی در راستای پژوهش می‌توان چنین نتیجه گرفت که قرآن حسن ظن به مؤمن را به عنوان اصلی ابتدایی به جامعه ایمانی توصیه می‌کند و آنجا که طرف مقابل متصف به ظلم و فسق باشد و از دایره ایمان خارج شود، جامعه را به علت وجود ریسک و

خطر از خوش‌گمانی و اطمینان قبل از شناخت برحذر می‌دارد. در برخی از آیات، علت عدم پذیرش سخن انبیا توسط قومشان ظن به دروغ‌گویی آنان بیان شده و برای رفع این بدگمانی و سوق دادن قوم به پذیرش هدایت الهی، از ایجاد فضای امن و مقدماتی که موجب امنیت خاطرشان می‌شود، سخن گفته شده که باز هم تأکیدی بر زدودن احتمال ریسک و خطر از ذهن است تا موجبات اطمینان به کلام انبیا فراهم آمده باشد (شعراء/ ۱۸۶-۱۹۰؛ اعراف/ ۶۶-۶۸).

ب) از کنترل تا تعهد ایمانی

پیش از این روشن شد برای اینکه اعتماد معنا و ضرورت داشته باشد، به وجود افراد آزاد با عاملیت مستقل نیاز است؛ افرادی که به آنان آزادی بیشتر، خودتنظیمی و اختیار عمل داده شود (Misztal, 1996: 7) که البته خود این آزادی باعث غیرقابل پیش‌بینی شدن رفتار می‌شود.

رفتار غیرقابل پیش‌بینی مردم در عصر جدید به علت رشد فردگرایی و عاملیت مستقلی است که به آنان داده شده و در نتیجه نمی‌توان مردم را به تعهدات و هنجارها یا عمل کردن برطبق قالب‌ها و هویت‌های اجتماعی ملزم کرد. در چنین موقعیت و بستری است که اندیشمندان غربی پیشنهاد می‌دهند دولت‌ها برای کنترل ریسک و خطر ناشی از رفتار غیرقابل پیش‌بینی افراد از قانون و اعمال قدرت مشروع استفاده کنند (شیخی، ۱۳۹۷: ۸۰)

با بالا رفتن میزان خطر و ریسک به ناچار ابزار کنترل و اجبار قانونی بیشتر می‌شود و هرچه کنترل افزایش یابد، میزان گرایش از «اعتماد اجتماعی» به «کنترل» بیشتر خواهد شد؛ از این رو برخی از جامعه‌شناسان کنترل را به عنوان متضادی برای اعتماد مطرح کرده‌اند (برای نمونه نک: زتومکا، ۱۳۸۶: ۱۹۲؛ Castelfranchi and Falcone, 2010 p. 192).

در جوامع کنترل‌گرا که این کنترل و جبر، ناشی از پذیرش استقلال و فردگرایی است، اعتمادی محاسبه‌گرایانه شکل می‌گیرد که تابع عقلانیت قانونی است؛ به این معنا که

اعتماد از روی جبر و کنترل محیطی، فقط به همان محیط محدود است و بیرون از آن محیط و یا در صورت تضعیف کنترل، دیگر فرد خود را به ایجاد خیر و همکاری مثبت ملزم نخواهد دانست^۱. این نوع اعتماد شکننده و محدود بوده و موجب همکاری و تولید سرمایه اجتماعی نمی شود. روشتاین این حالت از همکاری را که به علت دلایل خودخواهانه و منفعت شخصی و یا از سر اجبار شکل می گیرد، نه تنها موجب منافع مشترک نمی داند؛ بلکه عاملی برای بروز دام اجتماعی برمی شمارد (روشتاین، ۱۳۹۳: ۱۱۸-۱۱۹).

نتیجه اینکه گاه برای قطعی تر و قابل شناخت تر کردن آینده ممکن است به کنترل و زور متوسل شویم. در این حالت، هرچند آینده ناشناخته را متعین کرده و مخاطره را با کنترل کم می کنیم، خروجی آن مقطعی (همان جا)، محدود به موارد خاص، و هزینه بر خواهد بود (کتل، ۱۳۹۷: ۲۳)؛ ولی در جامعه ای که محور ارتباط براساس اطمینان است، چنان که آمد، از آنجا که اطمینان حامل مؤلفه ریسک و خطر نیست، مقوله کنترل و اجبار معنایی ندارد.

همان گونه که پیش تر بیان شد، اطمینان به حالتی گفته می شود که سطوح بسیار بالایی از قابلیت پیش بینی مقابل ممکن باشد (تونکیس، ۱۳۸۷: ۱۴). از این رو برای پیش بینی رفتار و تعین آینده به عنصر کنترل و جبر نیاز نیست؛ بلکه رفتار متعهدانه و صادقانه فرد در قالب هویت های جمعی قابل پیش بینی می شود. در سازوکار قرآنی آنچه موجب می شود که اطمینان چنین مؤلفه ای را در پی داشته باشد، هویت ایمانی و رسیدن به مقام «امین» توسط معتمد از طریق ایمان به خدا است.

این موضوع را می توان در هم نشینی اطمینان با ایمان- چه آنجا که لازمه رسیدن به اطمینان قلبی ایمان به خدا دانسته شده، چه آنجا که ناظر به کنش های فرد در تعامل با

۱. به عنوان مثال در فروشگاه های مجهز به دوربین مدار بسته، علت آزاد گذاشتن مشتریان و افزایش دسترسی آنان به کالاها نه اعتماد فروشنده، بلکه وجود سیستم کنترلگر بیرونی است.

دیگری- بازجست (نحل/ ۱۱۲؛ مائده/ ۱۱۳). در دو آیه اخیر با وجود اینکه درباره انسان به عنوان عامل مستقل و دارای اراده سخن گفته شده، قرین شدن اطمینان به امنیت و ایمان (نحل/ ۱۱۲؛ مائده/ ۱۱۳) وجود مخاطره و عدم قطعیت را به آرامش و تعین بدل کرده است.

افزون بر این، اوصاف به‌کاررفته برای مؤمنان در قرآن نشان‌دهنده تعهد مبتنی بر ایمان این گروه است؛ به عنوان مثال در برخی آیات به صراحت به امانت‌داری و وفای به عهد اهل ایمان اشاره شده است (مؤمنون/ ۸). در برخی آیات نیز مؤمنان ترغیب می‌شوند که رابطه خود با دیگر مؤمنان را بر پایه اخوت شکل بدهند (حجرات/ ۱۰)؛ رابطه‌ای که قلب‌ها را متحد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۴/۴۶) و احساس دوستی، یگانگی و هم‌بستگی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳/۳۰) را افزایش می‌دهد.

ج) باور مبتنی بر آگاهی

مناسب است از جایگاه علم و آگاهی در اطمینان و باورمندی نیز سخن گفته شود. حسن ظن در ارتباطات اجتماعی که سفارش شده آیات است، هرگز به معنای مطلق اطمینان به دیگران و ساده‌لوحی نیست. در واقع هرچند شرط ابتدایی مواجهه با جامعه ایمانی حسن ظن است، در آیات هرگز به ایمان و اعتماد کور دعوت نمی‌شود؛ بلکه شرط نتیجه‌بخشی آن الزام به آگاهی‌ها دانسته می‌شود؛ برای نمونه در آیه ۲۱ سوره اعراف شیطان خود را از ناصحان معرفی کرده و در آیه یازده سوره یوسف، پسران یعقوب برای جلب رضایت او در همراه بردن یوسف علیه السلام از خود با عنوان ناصح نام می‌برند. در هر دو مورد یادشده، قرآن تصویری ارائه داده که براساس آن باور به ناصح بودن کسی بدون آزمودن او نتیجه مطلوبی در پی ندارد. بنابراین نمی‌توان به هر فردی از اجتماع بدون آزمودن و به صرف اینکه مسلمان است، اعتماد کرد و مسئولیت یا امانتی به او سپرد.

درباره تفاوت بین اعتماد و تفویض یا سپردن امری به دیگری چنین گفته شده که اعتماد یک نگرش ذهنی درباره قابلیت اعتماد کردن به دیگری است؛ ولی سپردن امور به

دیگری به آگاهی از شایستگی و توانایی او باز بسته است (Castelfranchi and Falcone, 2001: 57).

سپردن امور به دیگری براساس علم به شایستگی و توانمندی او چندان اهمیت دارد که خداوند از ولی یتیم می خواهد که پس از آزمودن و اطمینان به توانمندی یتیم، مالش را در اختیار او بگذارد (نساء/۶). ایجاد چنین سرمایه اجتماعی ای می تواند به فرد چنان مقبولیتی در اجتماع ببخشد که به عنوان شریک مال و جان و عرض و ناموس مردم شناخته شود و مردم او را همچون خویش بپندارند و با حسن ظن با او رفتار کنند؛ حسن ظنی که به عنوان عقیده و باور پیوسته توسط آگاهی های افراد مورد سنجش قرار می گیرد و در واقع از حالت منفعلانه به حالتی فعال تبدیل می شود.

میزان مداخلت علم و آگاهی در اعتماد با توفیق و نتیجه بخشی آن نسبتی مستقیم دارد (پاکتچی، ۱۴۰۰: ۱۵). در این باره قرآن آموزه هایی برای تقویت آگاهی در تعامل با دیگران عرضه می کند تا جامعه را از افراط در پیروی از باورها (حسن ظن) برحذر دارد، امنیت فرد را از نظر موقعیت او در ارتباط با دیگری ضمانت کند (کاهش ریسک) و معیاری برای شناسایی تعهدپذیری دیگری باشد. در ادامه به این موارد تحت عنوان عوامل خصیصه محور و جایگاه محور اشاره خواهد شد.

۴. عوامل اعتمادافزا

اگر اطمینان حالتی است که بالاترین درجه حسن ظن به افراد را شامل می شود و در این حالت توقع برآورده شدن انتظارات از طرف مقابل می رود، باید دید که این کیفیت چگونه تولید و تقویت می شود: آیا در اعتماد مطلوب قرآن با حالتی منفعلانه و تماشاگرانه صرف روبه رو هستیم یا تعالیم قرآن از ما می خواهد که این نگرش را به صورت فعالانه خود تولید کنیم؟

برخی عوامل چنان از میزان مخاطره و ریسک در تعامل با اطرافیان می کاهند که تکیه کردن بر کنش، آن ها را از حالت تردید و احتمال به حالت قطعیت تبدیل کرده و این

سبب تسهیل مشارکت و همکاری می‌شود. بنابراین مسئله مهم این است که اعتماد کردن به مشارکت و همکاری در تولید خیر جمعی بینجامد وگرنه صرف اعتماد برآمده از اجبار قانون، در نهایت کاهنده میزان ریسک در روابط است و لزوماً به همکاری و مشارکت عمومی نخواهد انجامید.

اینک باید دید چه آموزه‌هایی در قرآن ذکر شده که هم کاهنده میزان ریسک و مخاطره است و هم به مشارکت و همکاری برای رسیدن به خیر جمعی می‌انجامد و در یک کلام، مولد سرمایه اجتماعی است.

در ادامه، آیات ناظر به این امر در دو دسته عوامل خصیصه محور و جایگاه محور مورد بحث قرار می‌گیرد.

۴-۱. عوامل خصیصه محور

عوامل خصیصه محور ناظر به ویژگی‌های شخصی افراد است. عملکرد افراد به معنای اعمال واقعی، روزمره و نتایج حاصل از زمان حال است (زتومکا، ۱۳۸۶: ۱۴۰). کسانی که این خصوصیت‌ها را دارند، می‌توانند از مزایای معتمد بودن بهره ببرند. در ادامه، ارزش‌های اخلاقی‌ای که موجب شناسایی افراد معتمد می‌شود، برشمرده خواهد شد.

الف) صداقت

اینکه اعتمادکننده باور داشته باشد که معتمد نسبت به او صادق است، سبب تقویت اعتماد و رسیدن به اطمینان خواهد شد.

سه بُعد انطباق گفتار و کردار، عمل به وعده‌ها و راست‌گویی برای این مفهوم قابل تصور است. انطباق گفتار و کردار به معنای هم‌سوایی سخن و عمل است؛ یعنی فرد آنچه را می‌گوید، به طور مستمر انجام خواهد داد. مراد از عمل به وعده این باور است که فرد چقدر تمایل دارد به عهد خود وفادار باشد. راست‌گویی نیز شامل میزان دقیق بودن اطلاعاتی است که فردی در اختیار کارکنان قرار می‌دهد (Simons and Parks, 2000).

درباره وفای به عهد به صورت جداگانه و در قالب عامل تقویت اعتماد اجتماعی صحبت خواهد شد؛ از این رو در این بخش، تنها به آیات مرتبط با صدق کلام و هم‌سوایی سخن و عمل پرداخته می‌شود.

در موضوع هم‌سوایی سخن و عمل، قرآن به شدت افرادی را که به سخن خود عمل نمی‌کنند، توبیخ می‌کند (صف/۲) و امر به نیکی بدون عمل آمر را نمی‌پسندد (بقره/۴۴).

درباره نسبت بین صدق کلام و ایجاد اطمینان برای معتمد نیز می‌توان به آیاتی استناد کرد که از بی‌اعتمادی مردم به صدق دعوت انبیا و مطالبه شاهدی برای راست‌گویی آنان خبر می‌دهند (شعراء/۱۸۷). آموزه تبیین و تحقیق درستی یا نادرستی خبر فرد فاسق پیش از عمل به آن (حجرات/۶) نیز شاهد دیگری بر نسبت صداقت و اطمینان است.

در داستان حضرت یوسف علیه السلام قرآن جایی آن حضرت را با عنوان صدیق و راست‌گو معرفی می‌کند؛ آن‌هم از زبان هم‌زندانی وی که پس از تصدیق تعبیر خواب و نجات از زندان، برای تعبیر خواب عزیز مصر نزد ایشان می‌آید (یوسف/۴۶). در واقع تجربه‌ای که این فرد از صداقت و راست‌گویی حضرت یوسف علیه السلام کسب کرده، عاملی است که بار دیگر موجب اطمینان او به سخنان حضرت علیه السلام می‌شود و البته حکمت تعبیر «صدیق» از زبان او نیز در همین نکته نهفته است.

درباره اطمینان‌آفرینی صداقت باید گفت که براساس ترتیب روایت داستان، ابتدا صداقت ایشان نزد حاکم مصر ثابت شده (یوسف/۵۱) و سپس به عنوان فردی معتمد و امین (یوسف/۵۴) به عنوان خزانه‌دار مصر برگزیده شده است.

کوتاه‌سخن اینکه باز بسته بودن اطمینان به احراز صداقت طرف مقابل دلیلی عقلایی است که قرآن برای باورپذیری کلام انبیای الهی (بنگرید به: مریم/۴۱، ۵۶) و همچنین اطمینان به ادعای حضرت مریم علیها السلام در ماجرای مسیح علیه السلام (مائده/۷۵) آنان را به این خصیصه متصف کرده است.

ب) امانت‌داری

واژه «امن» در اصل به معنای آرامش خاطر، آرامش نفس و از بین رفتن بیم و هراس است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۰)؛ از این رو امین بودن معتمد یعنی ویژگی‌ای که به واسطه آن از میزان خطر و ریسک از سوی چنین کسی کاسته شود، احتمال خیانت و رفتار غیرقابل پیش‌بینی از او نباشد و به تعبیری موجب کثرت امنیت خاطر شود (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱/۱۶۶). به چنین حالتی چنان‌که پیش‌تر گفته شد، اطمینان می‌گویند.

در قرآن کریم رابطه تنگاتنگی میان امین بودن و امانت‌داری و اطمینان و اعتماد آفرینی ترسیم شده است. در قسمت قبلی به چگونگی برگزیده شدن حضرت یوسف علیه السلام به مقام خزانه‌داری و ارتباط آن با پیشینه امن و اطمینان‌آور ایشان پرداخته شد. در سوره یوسف، تفاوت معنا‌داری میان ماجرای اعتماد حضرت یعقوب علیه السلام به فرزندانش و سپردن یوسف علیه السلام و بنیامین به آن‌ها نهفته است. توضیح مطلب اینکه در ماجرای یوسف علیه السلام، قرآن علت امتناع حضرت یعقوب علیه السلام را خوف و خطرات بیرونی می‌داند (یوسف/۱۳) که برادران با دادن تضمین رضایت وی را می‌گیرند؛ ولی در موضوع بنیامین علت عدم اطمینان را خود برادران و سابقه نایمن و غیرامانت‌دار آن‌ها دانسته (یوسف/۶۴)؛ از این رو شرط امانت‌دادن را وثیقه الهی معرفی می‌کند که در جامعه آن روز جزء آداب و رسوم و قالب‌های ضمانت‌بخش و اطمینان‌آور بوده است.

قرآن یکی از صفات مؤمنان را رعایت امانات می‌داند (مؤمنون/۸) و برای ایجاد شبکه‌ای از ارتباطات اطمینان‌آفرین، هم به صورت ایجابی و در قالب ادای امانت به صاحبش که امانت معنوی و مادی را شامل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۵۱: ۴/۳۷۸) سخن گفته و هم به صورت سلبی خیانت در امانات را زیان‌رساننده به اعتماد و اطمینان اجتماعی معرفی می‌کند (انفال/۲۷).

رواج بخشش و اعطای مسئولیت‌ها و امتیازات به افراد معدود و نورچشمی کردن برخی موجب خیانت و در نتیجه سلب اعتماد می‌شود (روستائین، ۱۳۹۳: ۴۷)؛ مسئله‌ای که در آیات قرآن نیز به آن پرداخته شده است (حشر/۷).

در این شبکه، خصلت خیانت و امین نبودن افراد موجب افزایش ریسک و رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی در جامعه می‌شود و در نتیجه فضای اطمینان حاصل از ایمان و امنیت جامعه به فضای مخاطره و احتیاط تبدیل می‌شود که نتیجه آن عدم تعامل و همکاری مردم به علت گسترش بی‌اعتمادی خواهد بود.

ج) وفای به عهد

وفای به عهد برای ایجاد جو اعتماد و اطمینان در رابطه میان افراد و روابط اجتماعی مطلوب لازم و ضروری است. بدون وفای به عهد نگرانی و مخاطره زندگی در جامعه بیشتر می‌شود و در نتیجه زمینه ایجاد اطمینان بین مردم از میان خواهد رفت. قرآن وفای به عهد را لازمه جامعه ایمانی و ارتباطات اجتماعی دانسته؛ از این رو آن را از صفات مؤمنان (مؤمنون/ ۸) و ابرار (بقره/ ۱۷۷) برشمرده است. قرآن همچنین در دو مورد به صورت مطلق به رعایت عقود و معاهده امر کرده که نشان از اهمیت و رعایت این خصلت حتی در ارتباطات جامعه ایمانی با بیگانگان دارد (اسراء/ ۳۴؛ مائده/ ۱). این تعامل و خصلت هم‌نهاد واژه «قول» است که به تعهدات و نیروهای اخلاقی‌ای اشاره دارد که سبب گرایش جامعه مبتنی بر اعتقاد مشترک به سوی وفای به عهد می‌شود (سلیگمن، ۱۳۸۷: ۱۲).

د) نصح

دیگر عامل مقوم و مولد اطمینان در جامعه خیرخواهی است که در تعبیر دینی با عنوان «نصح» از آن یاد می‌شود. خیرخواهی نهایت خلوص و صداقت و از روی محبت و شفقت خیرخواه کسی بودن و طلب خیر برای دیگری کردن است (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۲: ۴۱۸). خیرخواهی و نصح چنان نقش پررنگی در ایجاد اطمینان دارد که قرآن یکی از دام‌های شیطان برای فریفتن مردم را ناصح شناساندن خود می‌داند (اعراف/ ۲۱). برادران یوسف علیهم‌السلام نیز برای اقناع حضرت یعقوب علیه‌السلام خود را به این صفت متصف نشان داده (یوسف/ ۱۱) و البته پیامبران الهی هم برای جلب اطمینان مردم خود را خیرخواه آنان

معرفی می‌کنند (اعراف/۶۲، ۶۸، ۷۹، ۹۳).

یکی از علل اصرار هر دو طیف در معرفی خود به ویژگی نصیح، آگاهی از این معناست که باور به خیرخواهی از سوی طرف مقابل موجب پذیرش بهتر ادعای آنان شده و چنانچه خطایی هم سر بزند به حساب غفلت گذاشته می‌شود.

ه) مشورت

بهره‌گیری از آرا و نظرات دیگران افزون بر اینکه موجب تکامل عقل می‌شود، در عرصه اجتماعی و حکمرانی نیز می‌تواند سبب ایجاد الفت و حسن ظن مردم به حاکمان باشد. قرآن کریم پس از بیان اثر نرم‌خویی و خوش‌رویی در انسجام مردم، برای شکل‌گرفتن انسجام و تشدید پیوندها از پیامبر ﷺ مشورت با مردم را می‌خواهد (آل عمران/۱۵۹) و مشاوره را از جمله خصائص مؤمنان می‌داند (شوری/۳۸). شدت پایبندی پیامبر ﷺ به مشورت و حرف‌شنوی ایشان از مردم در شیوه رهبری و مدیریت تا آنجا بود که دشمنان به قصد آزار، ایشان را «أذن» لقب داده بودند (توبه/۶۱).

۴-۲. عوامل جایگاه‌محور

جایگاه افراد در جامعه می‌تواند برای آنان اطمینان‌آفرین باشد. در واقع بخشی از قابلیت اعتماد ناظر به موقعیتی است که افراد در آن قرار می‌گیرند (ردادی، ۱۳۹۰: ۱۲۴). یکی از عوامل موقعیتی تأثیرگذار که موجب آمادگی برای بذل اعتماد می‌شود، ویژگی تقدس مکانی است که در آنجا روابط اتفاق می‌افتد (زتومکا، ۱۳۸۶: ۱۶۹-۱۷۰)؛ برای نمونه این تصور وجود دارد که در مساجد و بقاع متبرکه کمتر احتمال دزدی هست تا در خیابان و یا امکان درگیری و خشونت در محافل دینی مانند راه‌پیمایی اربعین از استادبوم فوتبال و اردوهای تفریحی کمتر است؛ از این رو موقعیت فیزیکی‌ای که فرد در آن قرار می‌گیرد در کم شدن ریسک و مخاطره اثر دارد و قابلیت اطمینان به افراد را بالا می‌برد.

قرار دادن خانه کعبه به عنوان مکانی امن برای حجاج (مائده/۲، ۹۷) یا توصیف شهر مکه به «البلد الامین» (تین/۳) و «حرم امن» (عنکبوت/۶۷) می‌تواند نمونه‌های قرآنی‌ای

از تأثیر موقعیت مکانی در افزایش اعتماد باشد.

نقطهٔ مقابل این موقعیت‌ها قرار گرفتن افراد در مواضع تهمت است که در روایات نسبت به اثری که این موقعیت‌ها بر افزایش سوءظن در افراد ایجاد می‌کند، هشدار داده شده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۳/۵۱۰).

افزون بر موقعیت فیزیکی، جایگاه اجتماعی فرد نیز قابلیت تقویت و زوال اطمینان را فراهم می‌کند؛ به این شکل که برخی از نقش‌ها و موقعیت‌های نقشی که فرد در آن قرار می‌گیرد، مؤلّد اطمینان به اوست. این نقش‌ها و مقدار اعتمادبخشی به آن‌ها در فرهنگ‌ها تعریف می‌شود و در هر فرهنگی از صاحبان نقش‌ها میزان مشخصی از اعتماد مطالبه می‌شود (ردادی، ۱۳۹۰: ۱۲۶)؛ مثلاً ممکن است در برخی فرهنگ‌ها و جوامع وابسته به جهان بینی موجود، اعتماد به پلیس به شدت پایین باشد (روستاین، ۱۳۹۳: ۱۱۱-۱۱۲) و در فرهنگی مثل فرهنگ ایران، اعتماد به معلم‌ها و نیروی انتظامی بیشتر از دیگر اقشار باشد (ایسپا، ۱۴۰۰) که این اعتماد بسیار به معلم می‌تواند ناشی از جهان بینی‌ای باشد که در آن گزارهٔ «معلمی شغل انبیا است» رواج دارد.

در بازگشت به فضای قرآن، طیفی از یادکردها در این باره قابل بررسی است که هرچند به خودی خود اعتمادزا نیستند، با توجه به جایگاهشان در جامعه، عمل به آن‌ها می‌تواند مؤلّد اعتماد باشد. از جمله نمونه‌های قرآنی می‌توان به آیاتی اشاره کرد که در آن‌ها به صراحت به زنان پیامبر ﷺ تأکید می‌شود که جایگاه و نقش اجتماعی‌شان با دیگر زنان یکسان نیست (احزاب/۳۲)؛ از این رو چنانچه گناهی مرتکب شوند، دو برابر مجازات خواهند دید (احزاب/۳۰). در واقع انتظارات هنجاری از زنان پیامبر ﷺ بیشتر است و ممکن است خطای آنان موجب سلب اعتماد مردم از آموزه‌های الهی پیامبر ﷺ شود.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر کوشیده شد با نگاهی به زمینه‌های شکل‌گیری و خاستگاه مفهوم اعتماد اجتماعی در جوامع مدرن، تفاوت آن با اندیشهٔ قرآنی تبیین شود. به این منظور

مشخص شد که «اعتماد اجتماعی» و «اطمینان» دو مفهوم متمایزند. براین اساس «اعتماد» پاسخی به مخاطره‌های برآمده از آینده نامتعیّن، کنش‌های غیرقابل کنترل و عدم شناخت دیگری مستقل است؛ ولی در مفهوم «اطمینان»، رفتار افراد به علت تعلق آنان به هنجارها و قالب‌های اجتماعی، قالب‌مند و قابل پیش‌بینی شده و این موجب امنیت خاطر و آرامش افراد در ارتباط با یکدیگر می‌شود.

براساس یافته‌های پژوهش از میان واژه‌های مرتبط با اعتماد در قرآن، بین کاربرد واژه اطمینان در آیات و دیگر لغات نزدیک به معنای اعتماد تفاوت وجود دارد. واژه اطمینان در آیات درباره کنش‌های انسان در ساحت ارتباط با خدا، جهان طبیعی و جهان اجتماعی مطرح شده و در هر سه موقعیت این واژه متضمّن مؤلفه‌های قطعیت و امنیت خاطر است و برای توصیف موقعیت‌های نامتعیّن و مخاطره‌آور از نظایری چون رکون، ثقه و امن بهره برده شده است.

فراتر از واژگان و در سطح مفهوم نیز، «اطمینان» به علت وجود مؤلفه پیش‌بینی‌پذیری و قطعیت، مطلوب تعاملات اجتماع مؤمنان برشمرده شده است. این اطمینان حول محور ایمان مطرح شده که به مثابه یک ساختار و قالب اجتماعی، با وجود پذیرش استقلال و آزادی مؤمن، رفتار او را پیش‌بینی‌پذیر کرده و مخاطره را که مولّد نیاز به اعتماد در دنیای مدرن است، تا حد زیادی خنثی می‌کند؛ ازاین‌رو اعتماد مطرح در قرآن مبتنی بر یک باور آگاهانه (انتظار خیر) و تعهدپذیری امین، به ترتیب زمینه ریسک و فردگرایی (عاملیت مستقل) را از بین می‌برد.

دسته‌بندی آموزه‌های قرآن درباره راهکارهای تولید اعتماد مطلوب و دوری از اعتماد کاذب و کورکورانه در قالب عوامل خصیصه‌محور (صداقت، وفاداری، نصیح و ...) و موقعیت‌محور (جایگاه اجتماعی و فیزیکی فرد) نیز از جمله دیگر نتایج پژوهش حاضر است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. بوردیو، پی‌یر، «شکل‌های سرمایه»، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، به کوشش کیان تاجبخش، انتشارات شیرازه، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۳. پاتنام، رابرت، «جامعه برخوردار سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی»، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، به کوشش کیان تاجبخش، انتشارات شیرازه، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۴. پاکتچی، احمد، «اعتماد اجتماعی در نهج البلاغه»، اخلاق اجتماعی در نهج البلاغه، زیر نظر احمد پاکتچی و مرتضی سلمان نژاد، خانه کتاب، تهران، ۱۴۰۰ ش.
۵. تونکیس، فران و دیگران، «اعتماد، سرمایه اجتماعی و اقتصاد»، اعتماد و سرمایه اجتماعی، ترجمه محمدتقی دلفروز، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ۱۳۸۷ ش.
۶. تونکیس، فران و دیگران، اعتماد و سرمایه اجتماعی، ترجمه محمدتقی دلفروز، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ۱۳۸۷ ش.
۷. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، محقق علی اسلامی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۸ ش.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن الکریم، دار الشامیه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۹. ردادی، محسن، نظریه اعتماد سیاسی (با تأکید بر گفتمان اسلامی)، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ۱۳۹۰ ش.
۱۰. روشتاین، بو، دام‌های اجتماعی و مسئله اعتماد، ترجمه لادن رهبری و دیگران، آگه، تهران، ۱۳۹۳ ش.
۱۱. زتومکا، پیوتر، اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه غلامرضا غفاری، انتشارات شیرازه، تهران، ۱۳۸۶ ش.
۱۲. سلیگمن، آدام، «اعتماد و جامعه مدنی»، اعتماد و سرمایه اجتماعی، ترجمه محمدتقی دلفروز، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ۱۳۸۷ ش.
۱۳. سیفعلی‌ئی، فاطمه و دیگران، «بازشناسی مفهوم و مؤلفه‌های بنیادین اعتماد و کارکردهای آن در روابط اجتماعی انسان از منظر قرآن»، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، دوره نهم، شماره ۲، ۱۳۹۸ ش.
۱۴. شارع‌پور، محمود، «اعتماد اجتماعی و جامعه مخاطره‌آمیز»، نقد کتاب علوم اجتماعی، شماره ۱۱، ۱۳۹۵ ش.
۱۵. شیخ، زهرا، اعتماد اجتماعی و فرهنگ اعتماد، جامعه‌شناسان، تهران، ۱۳۹۷ ش.

۱۶. شیرینی، اردشیر و هدایت‌الله رضایی خواه، «جهش شناختی در اعتماد: (شناسایی ذهنیت افراد در خصوص اعتماد اجتماعی با استفاده از روش کیو)»، *مجله جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال هفتم، شماره ۴، ۱۳۹۵ ش.
۱۷. صادقی، سید محمدتقی و سید جعفر صادقی، «اعتماد اجتماعی در قرآن»، *مجموعه مقالات همایش تخصصی قرآن و جامعه‌شناسی*، انتشارات دانشگاه بوعلی، همدان، ۱۳۹۰ ش.
۱۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران، ۱۳۷۵ ق.
۱۹. طیبی، معصومه، «اعتماد بین فردی در قرآن و حدیث و تأثیر آن در تربیت انسان»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، به راهنمایی نهله غروی و محسن ایمانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ۱۳۸۷ ش.
۲۰. عارفی، یوسف، اعتماد اجتماعی در نهج البلاغه (عوامل... و کارکردها)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، راهنمایی محمد جواد محسنی، مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی، ۱۳۹۵ ش.
۲۱. فاضلی، نعمت‌الله، «اعتماد اجتماعی به عنوان مسئله فرهنگی معاصر ایران»، در *جستجوی اعتماد اجتماعی در ایران*، جمعی از نویسندگان، ویراستار سید وحید موسوی داور، نشر پارسه، تهران، ۱۳۹۹ ش.
۲۲. فتون، ناتالی، «دیدگاه‌های انتقادی در مورد اعتماد و جامعه مدنی»، *اعتماد و سرمایه اجتماعی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ۱۳۸۷ ش.
۲۳. فوکویاما، فرانسیس، «سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی»، *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، به کوشش کیان تاجبخش، انتشارات شیرازه، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۲۴. کتل، دونالد اف، *حکومت و اعتماد عمومی*، ترجمه طاهر اصغرپور، نگاه معاصر، تهران، ۱۳۹۷ ش.
۲۵. کلمن، جیمز، «نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی»، *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، به کوشش کیان تاجبخش، انتشارات شیرازه، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۲۶. کلمن، جیمز، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۲۷. گل خرمی، زینب، «اعتمادآفرینی و راه‌های گسترش آن در قرآن و روایات»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی باختر، ایلام، ۱۳۹۵ ش.
۲۸. گیدنز، آنتونی، *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۷ ش.

۲۹. گیدنز، آنتونی، *جهان لغزنده است: جهانی شدن چگونه دنیای ما را شکل می‌دهد*، ترجمه علی عطاران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، تهران، ۱۳۹۵ ش.
۳۰. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۳۱. مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا)، «سنجش برخی از ابعاد اعتماد اجتماعی در ایران»، ۱۴۰۰ ش.
۳۲. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن*، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۳۰ق.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۳۴. مهدویان، محمدحسین، «بررسی ماهیت، ریشه‌ها و پیامدهای اعتماد اجتماعی از منظر قرآن کریم»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، ۱۳۹۴ ش.
35. Barbalet, J. M., "Social emotions: Confidence. Trust and Loyalty". *International Journal of Sociology and Social Policy*, Vol. 16 Iss 9/10. PP. 75-96, 1996.
36. Castelfranchi, Cristiano & Rino Falcone. **Trust Theory: A Socio-Cognitive and Computational Model**. Wiley, 2010.
37. Castelfranchi, Cristiano & Rino Falcone. "Social Trust: A Cognitive Approach". *Trust and Deception in Virtual Societies*, 2001.
38. Gambetta, Diego. "Can We Trust Trust?", in Gambetta, Diego (ed.) **Trust: Making and Breaking Cooperative Relations**, electronic edition, Department of Sociology, University of Oxford, chapter 13, pp. 213-237. 2000.
39. Giddens, Antony. *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age*. Stanford, CA: Stanford University Press. 1991.
40. Kollock, Peter. "The Emergence of Exchange Structures: An Experimental Study of Uncertainty, Commitment, and Trust". *American Journal of Sociology*, Vol. 100, No. 2 (Sep., 1994), pp. 313-345. 1994.
41. Luhmann, N., *Trust and Power*. New York, John Wiley. 1979.
42. Misztal, B. A., *Trust in Modern Societies*. Polity Press, Cambridge UK. 1996.
43. Simons, T. and Parks, J. McLean. "The sequential impact of behavioral integrity on trust, commitment, discretionary service behavior, customer satisfaction, and profitability". Paper. presented at the annual meeting of the Academy of Management. Toronto, Canada. 2000.
44. Shklar, Judith. *Ordinary Vices*. Harvard: The Belknap Press. 1984.
45. O'Neill, O., *Autonomy and trust in bioethics*. Cambridge, Cambridge University Press. 2000.